

سه قوه نقش خود را به‌درستی ایفا نکنند درگیر رفتارهای رانتی می شویم

مصرف؛ آدرس اشتباه حمایت از تولید



رشد صنعتی را میسر نخواهد کرد. از این‌رو دولت‌ها باید به فکر ایجاد مزیت در یک یا چند صنعت خاص باشند.

هاجسون چانگ، استاد دانشگاه کمبریج، نیز در مطالعات گسترده خود که بیشتر بر پایه آمار و ارقام و بررسی شواهد تاریخی است، نشان می‌دهد که همه کشورهای پیشرفته کنونی تا پیش از رسیدن به مرحله توسعه‌یافتگی، سیاست‌های حمایتی خود را از درباره عنوان امثال منتشر شده است. بحث حمایت از کالای داخلی بحث جدیدی نیست و چنانچه در تاریخ جست‌وجو کنیم، یکی از سیاست‌هایی بوده که به‌نوعی در چند سده اخیر مطالبه شده اما اغلب به شکل‌های مختلف به نتایج مورد نظر منتج نشده است. برای مثال در دوره قاجار یکی از مشکلات صنعتگران، ورود بی‌رویه کالاهای اروپایی به کشور بوده است که در آن زمان خواستار حمایت از کالاهای داخلی بودند. تجار تبریز از امیرکبیر درخواست می‌کردند که با ورود البسه خارجی بنجل به کشور مخالفت کند. در جای دیگر می‌خوانیم که صنعتگران کاشان، سال ۱۸۴۵ در نامه‌ای از شاه خواستند که از کالاهای داخلی حمایت کند. ورود کالاهای خارجی تا میزانی زیاد شده بود که مردم گیلان مجبور شدند از تولید پارچه ابریشمی چشم‌پوشی کنند و به صدور ابریشم خام بپردازند. درحالی‌که کالاهای خارجی به ایران وارد می‌شد، برنامه منسجمی هم برای حمایت از تولید داخلی در کار نبود تا حدی که سپهسالار اشاره می‌کرد که اگر تلاشی نکنیم، همین چند قلم صنعت بومی را نیز از دست خواهیم داد. البته تلاش‌هایی هم در این دوره صورت گرفت. برای مثال محمدشاه قاجار در زمان خودش تلاش کرد تا به شیوه‌های تشویقی و حمایت‌های مالی از مصرف بی‌رویه کالاهای خارجی جلوگیری کند. او به درباریان اعلام کرد که از منسوجات ایرانی استفاده کنند. تلاش‌هایی نیز برای افزایش مالیات بر واردکنندگان کالاهای خارجی صورت گرفت. اما از آنجا که ایران تحت نفوذ دولت‌های انگلیس و روسیه بود، همواره با اعتراض این کشورها مواجه می‌شد و عملاً این حمایت‌ها راه به جایی نمی‌برد. نه دولت توان آن را داشت که در برابر آنها مقابله کند و نه تولید ملی در حدی بود که بتواند با کالاهای خارجی رقابت کند. با روی کارآمدن امیرکبیر و تلاش‌های او در راستای ترویج تولید ملی، گشایش‌هایی برای اهل صنعت ایجاد شد. اما نفوذ دولت‌های نام‌برده در ایران، دستورهای ناشی از تلاش‌های این مرد بزرگ را کم‌رنگ می‌کرد.

آنچه در سده‌های اخیر با آن دست‌به‌گریبان بودیم، هنوز هم از عمده مشکلات کشورمان است و متأسفانه نتوانسته‌ایم برای تقویت تولید کشور به یک راه‌حل اصولی دست یابیم. رجوع به مبانی نظری و تجربیات کشورهای موفق، می‌تواند تا اندازه‌ای سیاست‌های مربوط به حمایت از کالای داخلی را در مسیری درست هدایت کند.

مروری بر مبانی نظری و شواهد تجربی

فریدرک لیست، بنیان‌گذار مکتب تاریخی، معتقد بود مادی‌اسی که کشورهای مختلف توان تولیدی مشابهی ندارند، هر کشور باید براساس ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی و سیاسی خود درباره نحوه تعامل با دنیای خارج تصمیم‌گیری کند تا متضرر نشود. از نظر اقتصاددانان مکتب تاریخی، یک کشور تازه‌به‌میدان‌آمده، کمتر می‌تواند در مقابل قدرتی صنعتی عرض اندام کند؛ به‌ویژه اگر کشورها صنعتی، قبلاً حمایت‌های لازم را از صنایع‌شان به عمل آورده باشند. ازاین‌رو، در شرایطی که کشورها هنوز در مراحل ابتدایی رشد هستند، دولت‌ها باید از صنایع داخلی حمایت‌های هدفمندی انجام دهند و بعد از دستیابی به قدرت، کم‌کم این حمایت‌ها حذف شوند. در واقع نکته مهم در بحث‌های لیست و اقتصاددانان مکتب تاریخی، مرحله رشد اقتصادی است. کاهش حمایت‌های دولتی و آزادسازی تجاری به‌نفع کشورهای توسعه‌یافته‌ای است که مراحل اولیه رشد را سپری کردند و قدرت تولیدی مناسبی برای رقابت دارند، اما کشورهای درحال‌توسعه که در ابتدای راه قرار دارند، از آزادسازی‌های زود هنگام آسیب خواهند دید و هر نوع مواجهه میان دو اقتصاد در شرایط نابرابری توان تولیدی، منجر به تحمیل اراده اقتصاد قوی‌تر به اقتصاد ضعیف‌تر خواهد شد. او به این مسئله اشاره می‌کند که «دولت‌ها باید از صنایع داخلی منتخب حمایت‌های هدفمند انجام دهند و کم‌کم این حمایت‌ها با تقویت این صنایع، حذف گردند».

نکته حائز اهمیت دیگری که لیست به آن اشاره می‌کند آن است که راه نجات کشورهای در حال توسعه را خلق مزیت و نه اتکا به مزیت‌های نسبی می‌بیند. وی معتقد بود اتکای صرف به مزیت‌های نسبی که اغلب در کشورهای در حال توسعه به منابع طبیعی و مواد خام خلاصه می‌شود، مانع رهایی کشورهای در حال توسعه از تله رشد‌های پایین و بی‌کیفیت خواهد شد و

تولید ملی؛ از رویا تا واقعیت

ازآنجاکه از گذشته تاکنون به دلیل حاکم‌بودن شرایط انحصار بر بازار ایران و ساختار غلط تولید و قوانین موجود در این حوزه توجه چندانی به حقوق مصرف‌کننده نداشته‌اند؛ بنابراین مشتری براساس توان مالی و بدون حق انتخاب ناچار به خرید کالا بوده است.

براساس این در کام اول باید تصویری دقیق و شفاف از وضع موجود کشور در زمینه تولید، داشته‌ها و قابلیت‌ها داشته باشیم، روشن است که با ارزیابی و پایش دقیق مزیت‌های مطلق و نسبی کشورمان در تولید می‌توانیم مسیر حرکت را به‌درستی مشخص کنیم و براساس این هدف‌گذاری دقیقی برای رسیدن به شرایط مطلوب ایجاد کنیم. تجربه جهانی تولید توانمند نشان می‌دهد بدون توجه به رقابت‌پذیری رسیدن به این مهم امکان‌پذیر نیست.

از سوی دیگر اگر مبارزه با فساد در کشور اجرا شود، زیرساخت اولیه فراهم خواهد شد و بعد با خروج دولت از تصدی‌گری اقتصادی، کشور با برپایی نظام مبتنی بر عقلانیت می‌تواند به سمت اصلاح، توسعه و پیشرفت کند. مجبور، تعرفه، ارز دولتی، قیمت‌گذاری و هرگونه شرایط رانتی، زمینه‌ساز بروز فساد و قاچاق است.

البته معتقدیم که برخلاف باور عموم درباره ضرورت تغییر نقش‌پذیری دولت از تصدی‌گری به نظارت، حتی نظارت صرف از سوی حاکمیت نیز فسادپذیر است و لازم است زمینه لازم توسط دولت برای عموم شهروندان به عنوان بازرس و گزارشگر تخلفات به منظور شفاف‌سازی فضای اجتماعی و اقتصادی نیز فراهم شود.

در این میان اگرهم تلاش داریم که تولید ملی رونق بگیرد، باید شرایط را برای فعالیت بخش خصوصی واقعی فراهم کنیم تا بتواند در زمینه‌های تولیدی دارای مزیت فعالیت کند و با نگاه صادرات‌محور بتواند زمینه‌ساز رشد اقتصادی کشور شود. در حال حاضر بخش خصوصی با مشکلات بسیاری ازجمله تأمین نقدینگی، قوانین مالیات و بیمه و تأمین اجتماعی، قیمت‌گذاری دولتی، رقابت با ساختار دولتی، عدم توازن در رنجیره تأمین، عدم تأمین مناسب مواد اولیه، عدم ثبات قوانین و مقررات مواجه است. از نسوی دیگر به دلیل عدم ارتباط با اقتصاد و تجارت جهانی به دلیل مسائل سیاسی از دانش و تکنولوژی روز جهان عقب مانده‌ایم و ناهماهنگی در تیم اقتصادی دولت به‌خصوص در میان وزارتخانه‌های اقتصاد و صنعت، معدن و تجارت نیز بر حجم مشکلات بخش خصوصی افزوده است. بنابراین در شرایطی که تلاش داریم بخش تولید بتواند در اقتصاد کشور نقش بازی کند باید مشکلات عنوان‌شده از پیش پای بخش خصوصی برداشته شود.

در پایان تاکید می‌کنم که دولت، نظام بانکی، کارآفرین، تولیدکننده، فروشنده و شبکه توزیع و خدمات، باید همگی براساس فرآیندی عقلایی برای ارائه کالایی مطلوب تلاش کنند تا مشتری به‌عنوان آخرین نفر این چرخه، بتواند از تولید کشورش حمایت کند. براساس این تنها انتظار از مصرف‌کننده برای خرید کالای ایرانی، تکرار برنامه‌های نافرجام گذشته است. بنابراین اگر مزیت در تولید کالایی داریم یا می‌توانیم ایجاد کنیم (باکیفیت و ارزان)، باید به تولید آن اقدام کنیم و در غیر این‌صورت آن کالا را باید از کشورهای دیگر که دارای مزیت نسبی در تولید آن کالا هستند، وارد کنیم. از سوی دیگر باید به خاطر داشته باشیم که قریب به ۸۵ درصد واردات مواد اولیه و کالای نیمه‌ساخته یا حتی بخشی از کالاهای سرمایه‌ای مورد نیاز و استفاده در چرخه تولید هستند و عمده‌ا آدرس غلط واردات در برابر تولید، فرار رو به جلوی دولت برای رفع مسئولیت‌پذیری خود است.

«حمایت از کالای ایرانی» به معنای احجاف در حق مصرف‌کننده برای خریدن کالای داخلی گران و بی‌کیفیتی که قابلیت صادرات به هیچ کشوری را ندارد، نیست.

گذار

افزایش تعرفه ۱۲۸ کالای آمریکایی

● چین اقدام واشنگتن برای وضع تعرفه جدید برای واردات کالاهای این کشور را با تدابیری مشابه پاسخ داد. به گزارش فارس، به نوشته آسوشیتدپرس، چین تصمیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، برای اعلام تعرفه‌های جدید بر واردات فولاد و آلومینیوم را با وضع تعرفه‌های جدید برای گوشت، میوه و سایر محصولات آمریکایی پاسخ داد. وزارت دارایی چین در بیانیه‌ای اعلام کرد تعرفه‌های جدید از روز دوشنبه اجرایی خواهند شد. پکن پیش‌تر هشدار داده بود در واکنش به اقدام ترامپ از حقوق و منافع خود دفاع خواهد کرد. رسانه‌های مختلف گزارش داده‌اند تعرفه‌های جدید یکن در مجموع ۱۲۸ کالای آمریکایی را شامل می‌شوند. در بیانیه وزارت دارایی چین اشاره شده تعرفه واردات محصولات گوشت خوک و آلومینیوم آمریکایی تا ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت.

ادامه از صفحه ۴

دروغ سیزده ارزی

به گفته او افزایش نرخ دلار، فشار فزاینده‌ای بر خط فقر وارد می‌کند تا حدی که دهک ششم نیز به‌سختی روزگار می‌گذراند و با یک فشار اقتصادی یا بیماری، از این دهک می‌افتند.

فرار بانک مرکزی از ارائه راهکار

شقایق‌شهری با اشاره به اینکه وابستگی اقتصاد ایران به نرخ دلار بسیار خطرناک است، ادامه می‌دهد: معلوم نیست چرا بانک مرکزی راهکارهایی را که در این مدت ارائه داده بود، اعمال نمی‌کند. یکی از راهکارها می‌تواند این باشد که در این شرایط خاص، نرخ سود سپرده‌های بلندمدت را حساب سپرده ارزی به نرخ کنونی باز کند؛ اما در آینده دلار هر نحی‌شد، در همان نرخ کنونی دلار را به افراد بپردازند. این‌گونه می‌توان نقدینگی را از بازار جمع کرد و ریسک و نااطمینانی مردم را کم و از ولع مردم برای خرید دلار و انباشت آن جلوگیری کرد؛ اما مشخص نیست چرا دولت آن را نمی‌پذیرد.

خروج بیش از ۳۰ میلیارد دلار در ماه‌های پایانی سال از ایران

دراین‌میان محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، هم از خروج بیش از ۳۰ میلیارد دلار ارز در ماه‌های پایانی سال از ایران خبر داد. پورابراهیمی همچنین از نگهداری حدود ۲۰ میلیارد دلار ارز در خارج از شبکه بانکی هم گفت و تاکید کرد: وقتی چنین وضع غیرکارشناسی در اقتصاد کشور وجود داشته باشد، رفتار غیرکارشناسی هم به تبع آن شکل می‌گیرد و مردم ترغیب به خرید ارز و نگهداری آن می‌شوند که این با عرضه و تقاضای واقعی در اقتصاد ایران همخوانی ندارد و التهاب را افزایش می‌دهد.

به گزارش خانه ملت، این نماینده مجلس تاکید کرد: بازگشایی حساب سپرده ارزی یکی از اقداماتی است که باید به فوریت انجام شود و تضمین تسویه آن از ناحیه بانک‌های دولتی صورت گیرد و بانک‌های دولتی تضامین لازم را از طریق بانک مرکزی بدهند تا هرکس هر ارزی را که سپرده‌گذاری کرد، بتواند برداشت کند.

کیفیت، کاهش قیمت و افزایش بهره‌وری نبینند. خودروسازانی نیز که بیشتر به سمت تولید می‌روند تا مونتاژ، در چنین ساختاری بیشتر متضرر می‌شوند.

حمایت بدون برنامه، هرج‌ومرج می‌آفریند

بر اساس آنچه ارائه شد، مسئله حمایت اگر بدون برنامه‌ای جامع و مدون صورت گیرد، به انبوهی از هرج‌ومرج، تعارض و تناقض بدل می‌شود. از این رو، اتکا به برداشت‌های سلیقه‌ای در مسئله حمایت از تولید داخلی، بسیار پرهزینه و بدون دستاورد خواهد بود. بنابراین توصیه می‌شود در گام نخست، برنامه‌ای اصولی و مبتنی بر علم با مشارکت اهل نظر، نخبگان و ذی‌نفعان تدوین شود.

(یک خطای روش شناختی که به نظر می‌رسد گاهی درباره حمایت از کالای ایرانی گرفتارش می‌شویم، آن است که نقش مردم به‌عنوان بازیگران خرد را با نقش حاکمیت هم‌وزن در نظر می‌گیریم؛ درحالی‌که مردم در مرحله آخر، قدرت نقش‌آفرینی دارند. چنانچه حمایت از تولید داخل صد مرحله داشته باشد، ۹۹ مرحله آن به ساختار قدرت و حاکمیت مرتبط است و مرحله آخر آن به مردم مربوط می‌شود. مصرف‌کننده نهایی در علم اقتصاد، بازیگر سطح خرد است که مبنای رفتارش عقلانیت و حداکثرسازی سود است. تا زمانی که قوای سه‌گانه نقش خود را در بسترسازی برای تقویت تولید باکیفیت و رقابت‌پذیر به درستی ایفا نکنند، نمی‌توان مردم را برای مصرف کالای خارجی ارزان‌تر و باکیفیت بالاتر تقبیح کرد). بنابراین توصیه می‌شود دولت در کنار نهاد قانون‌گذاری و قضائی، وظایف خود را دراین‌باره به درستی دنبال کند. کارآمدی قوانین و مقررات و قاعده‌گذاری‌های تولیدمحور از وظایف قوه مقننه است. تضمین حقوق مالکیت به‌عنوان یکی از پارامترهای تعیین‌کننده برای ورود سرمایه‌ها به بخش‌های تولیدی از وظایف قوه قضائیه است. مروری بر تاریخ نشان می‌دهد که نبود امنیت مالکیت خصوصی و ناامنی حقوق مالکیت، همواره به دست‌اندازی دولت بر سرمایه مردم منجر می‌شد که انگیزه برای سرمایه‌گذاری را کاهش و اندک مازادی را که ایجاد می‌شد، از چرخه تولید خارج می‌کرد.

نکته آخر آنکه هرگونه حمایتی در زمینه تولید، نیازمند شفافیت اطلاعات است. بسیاری از اقداماتی که به اسم حمایت از تولید صورت می‌گیرد، کاملاً مبتنی بر رانت و رفتارهای سلیقه‌ای است که اگر حاکمیت برای این معضل راهکاری نیندیشد، دچار اتلاف منابع بدون دستاوردهای توسعه‌ای خواهیم شد.

حمایت‌های تعرفه‌ای بوده است که در اصطلاح، حمایت‌های اسمی نامیده می‌شوند. حمایت‌های اسمی، فرصتی را برای دولت‌ها فراهم می‌کنند تا حمایت‌های واقعی خود از بخش‌های مدنظر را پیاده کند. به عبارتی، در دوره‌ای که تعرفه‌ها بالا نگه داشته می‌شود، دولت باید فضا را برای فعالیت بخش‌های مدنظر مهیا کند. بهبود محیط کسب‌وکار، بالا بردن امنیت سرمایه‌گذاری، تضمین حقوق مالکیت، اعطای وام‌های کم‌بهره، معافیت‌های مالیاتی، مشوق‌های صادراتی و مواردی از این دست، به تقویت و رشد بخش‌های حمایت‌شده کمک می‌کند. در کنار حمایت‌های اعمال‌شده، دولت باید عملکرد بخش‌های حمایت‌شده را زیر نظر داشته باشد و در صورت تحقق نیافتن شروطی مانند ارتقای کیفیت، بهبود اشتغال‌زایی، بالا رفتن رقابت‌پذیری و...، بخش‌های مدنظر را از حمایت محروم کند. همچنین با تقویت بنیه تولید، به مرور باید از میزان حمایت‌ها کاسته شود. در ساختاری که حمایت بدون قید و شرط صورت می‌گیرد، نتایج مثبت حاصل نخواهد شد.

تا زمانی که تصور برنامه‌ریزان کشور از حمایت، توزیع منابع مالی و رانت بین چند صنعت خاص و بالا بردن دیوار تعرفه به منظور کسب درآمد برای دولت باشد، اوضاع صنایع حمایت‌شده بهبود نخواهد یافت. نمونه بارز چنین حمایت‌هایی را همواره در صنعت خودروسازی کشور در چند دهه گذشته شاهد بوده‌ایم. چنین رویکردی باعث شده است خودروسازان داخلی همچنان متکی بر مونتاژ باشند و ضرورتی برای اصلاح فرایندهای تولید، ارتقای توان علمی-فنی خود، بهبود

حمایت از کالای ایرانی

حمایت از کالای داخلی در ایران همواره از مباحث پرمانقشه بوده است. طبقی از اقتصاددانان با استناد به تجارب شکست‌خورده حمایت از تولید نظیر خودروسازی، استتلال می‌کنند که حمایت‌ها مانعی برای رشد صنایع شده است و راه چاره را آزادسازی و رقابت با دنیای خارج عنوان می‌کنند. گروهی دیگر به حمایت معتقدند اما به حمایت‌هایی که تاکنون صورت گرفته، نقدی جدی دارند. براساس مبانی نظری و شواهد تجربی، اصل حمایت از تولید داخلی پذیرفته شده است. اما نحوه حمایت و شرایط آن باید مورد بازبینی قرار گیرد. متأسفانه دولتمردان و سیاست‌گذاران کشور از مسئله حمایت، درک درستی ندارند و آنچه تاکنون شاهد آن بوده‌ایم، حمایتی کاملاً صوری، بی‌قیدوشرط و بدون نظارت‌های لازم برای ارتقای کیفیت کالاهای داخلی و معطوف به کسب درآمد برای دولت و توزیع رانت بوده است. بنابراین آنچه به اسم حمایت از صنایع مختلف صورت گرفته، فاقد مضمون توسعه‌ای بوده است و ادامه چنین روندی، به بازتولید توسعه‌نیافتگی خواهد انجامید. حمایت واقعی و هدفمند همان‌طور که اشاره شد، دارای ویژگی‌هایی است که در صورت عدم توجه به این ویژگی‌ها، بیشتر جنبه توزیع رانت پیدا می‌کند.

حمایت از تولید در گام نخست نیازمند برنامه است. در غیر اینصورت می‌تواند به ضد خود بدل شود. برنامه‌ریزان کشور پیش از حمایت‌های بی‌حساب‌وکتاب، باید براساس برنامه‌ای مدون، نقشه راه تولید را مشخص کنند. تا زمانی که ندانیم در کدام صنایع قرار است توسعه یابیم و در چند سال آینده در کدام بخش‌ها می‌خواهیم با دنیا رقابت کنیم، حمایت‌هایمان هدفمند نخواهد بود. بنابراین در ابتدا مانند همه کشورهای موفق نیازمند تدوین استراتژی توسعه صنعتی هستیم. انتخاب صنایع باید به دور از مناسبات رانتی و براساس موازین علمی صورت گیرد. معیارهایی نظیر میزان پیوندهای پسین و پیشین، میزان اشتغال‌زایی، میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز، تقاضای بازار جهانی در آینده و مواردی از این دست، معیارهایی هستند که باید در انتخاب صنایع منتخب مورد توجه قرار گیرند. در کنار تدوین استراتژی توسعه صنعتی، تمام قاعده‌گذاری‌ها باید به نفع بخش‌های تولیدی و به‌ویژه بخش‌های منتخب صورت گیرد. اعمال حمایت‌های هدفمند از صنایع اولویت‌دار، گام بعدی حمایت دولت‌ها به شمار می‌رود. حمایت‌های توسعه‌گرا باید هدفمند، مشروط، مدت‌دار، در طول زمان کاهنده و براساس اولویت‌های راهبردی تعیین‌شده صورت گیرد.

یکی از حمایت‌های دولت‌ها در سال‌های طولانی،

۰۲۱-۲۳۴۹

www.petiak.com

دارای پروانه سراسری ارائه خدمات ارتباطی ثابت از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی به شماره ۹۵ - ۱۱ - ۱۰۰